خارج فقه جلسه 50 - استعانت در وضو - 22/09/1401

موضوع: (شرایط وضو - موارد استعانت در وضو - حکم آن - ادله جواز نیابت در وضو - اشکالات آن)

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

مسئله بیست­ودوم: این مسئله درباره موارد استعانت ومباشرت از دیگران در وضو است.

مورد اول: آب از ناودان جاری است که اعضاء را به زیر آن آب می‌گیرد به‌گونه‌ای که آب جاری می‌شود در این هنگام قصد وضو می‌کند که این وضو صحیح است و هرگز جاری شدن آب از ناودان منافات با شرط مباشرت در افعال وضو ندارد چون شستن منتسب به متوضی است.

مورد دوم: اگر کسی از مکان بالایی آب را به سمت پایین بریزد نه اینکه کسی وضو بگیرد و در این هنگام کسی اعضای وضو را زیر آن آب بگیرد به قصد وضو این وضو صحیح است و استعانت غیر صدق نمی‌کند چون آن شخص ریزنده آب، قصد وضو دادن کسی را نکرده است لذا فقها در بحث ضمانت گفته‌اند که مسبب درصورتی‌که قاصد ضرر زدن باشد ضامن است.

اشکال مرحوم آقای خویی به بیان سید: که چرا سید عنوان «لابقصد» فرمودن که اگر قصد قاصد هم وضو دادن غیر باشد وضو باز هم صحیح است چون آب از بالا می‌آید و استعانت صدق نمی‌کند چون وضو منتسب به فاعل است اما سید در عروه این مطلب را از شیخ انصاری گرفتند و آقای خویی به شیخ ایراد می‌گیرد که علت تامه جزء اخیر وضو دست کشیدن خود متوضی است لذا قصد دخیل نیست.[[1]](#footnote-1)

اشکال استاد به اشکال آقای خویی به شیخ انصاری: آن شخصی که بالا است اگر قصد وضو دادن را بکند او را مسبب می‌گویند و مادامی‌که چنین قصدی نکند عنوان مسبب بر او صدق نمی‌کند و مجرد جاری کردن آب از بالا به پایین عنوان صاب -آب ریزنده- بر او صدق می‌کند و همین‌طور عنوان مفَرِّغ بر او صدق می‌کند اما وقتی قصد وضو دادن دیگران را بکند به او نمی‌گویند او مفرغ است بلکه می‌گویند این آقا مسبب وضوی او شده است پس عنوان عوض شده است پس قصد شرط است همان‌طوری که در بحث ضمانت نقل شد.

مسئله بیست و سوم (نایب گرفتن برای وضو): در اینجا اموری مطرح می‌شود:

امر اول: کسی که از مباشرت در وضو عاجز است جایز است که نایب بگیرد از نظر جواز همه فقها تسالم دارند و مخالفی وجود ندارد اما فقها در مستند این جواز اختلاف دارند.[[2]](#footnote-2) علت اختلاف فقها در مدرک این جواز این است که کسی که عاجز از وضو است وظیفه او تیمم است نه نایب گرفتن پس چرا فقها فتوای به جواز نایب داده‌اند لذا فقهایی که قائل به جوازند به وجوهی استناد کرده‌اند:

وجه اول: قاعده میسور که طبیعی این وضو مأمورٌ به است و عاجز از مباشرت است که با نیابت گرفتن طبیعی وضو برای او میسور می‌شود پس سراغ تیمم نباید برود.

اشکال استاد: مراد از میسور به نظر عرفی آسان بودن نفس عمل است مثل صلاة مریض که عاجز از ایستادن است که نشسته می‌خواند اما عمل نیابتی، تسبیبی است و عمل تسبیبی را میسور نمی‌گویند بلکه عمل مباشری را میسور می‌گویند.

وجه دوم: اجماع فقها دلیل بر جواز استنابه است.

اشکال: این اجماع مدرکی است چون اگر دلیل منحصر به اجماع بود می‌شود گفت این اجماع تعبدی است اما اگر مستندِ حکم، وجوه مختلف باشد این اجماع مدرکی است که مدرک اجماع یکی از این وجوهات است.

وجه سوم: روایتی است که شیخ طوسی ره با طرق متعدده از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند

متن روایت: محمد بن الحسن، عن المفيد، عن الصدوق، عن محمد بن الحسن، عن سعد بن عبد الله، وأحمد بن إدريس، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد، عن هشام بن سالم، عن سليمان بن خالد، وعن حماد بن عيسى، عن شعيب، عن أبي بصير، وعن فضالة، عن حسين بن عثمان، عن ابن مسكان، عن عبد الله بن سليمان جميعا، عن أبي عبد الله عليه السلام في حديث أنه كان وجعا شديد الوجع فأصابته جنابة وهو في مكان بارد قال: فدعوت الغلمة فقلت لهم: احملوني فاغسلوني فحملوني ووضعوني على خشبات، ثم صبوا على الماء فغسلوني.[[3]](#footnote-3) که حضرت درد شدیدی گرفتند و جنب شدند و هوا سرد بود و حضرت به غلامان خود فرمودند «احملونی فاغسلونی» که من را غسل بدهید، شیخ حر عاملی ره می‌نویسد که روایات متعددی در باب‌های مختلفی وجود دارد که دلالت دارد که استنابه در عبادت جایز است.

إن قلت: این روایات در باب غسل و تیمم است و ربطی به باب وضو ندارد.

قلت: ملاک آنها یکسان است چون متولی به منزله ابزار است چه ابزار غسل یا تیمم و یا وضو بشود.

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

1. تنقیح ج ۴ ص ۴۳۳ [↑](#footnote-ref-1)
2. جواهر ج ۲ ص ۳۱۳ [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل ج ۱ ص ۳۳۷ باب ۴۸ از اواب وضو [↑](#footnote-ref-3)